

# تدوین شاخص‌های برگشت‌پذیری سیاسی ناشی از بحران‌های تروریستی با استفاده از مدل انتگرال

مهدی نوری: دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، کرمان، ایران.  
مجید گل‌پروور\*: استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، کرمان، ایران.  
بهناز اژدری: استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، کرمان، ایران.

Email: majid\_golparvar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶

## چکیده

برگشت‌پذیری سیاسی به بررسی ظرفیت سازمان‌های سیاسی می‌پردازد تا بتوانند به رویدادهای داخلی و خارجی مانند جنگ، حملات تروریستی و غیره واکنش مناسب نشان داده و با تغییرات و پیامدهای سیاسی ناشی از این قبیل رویدادها سازگاری یابند. محققان این پژوهش تلاش کردند با توجه به خلأ علمی در این حوزه به موضوع تحقیق بپردازند. پرسش اصلی این تحقیق آنست که چه شاخص‌هایی را می‌توان برای برگشت‌پذیری در برابر پیامدهای سیاسی حملات تروریستی ارائه کرد؟ برای پاسخ به این پرسش محققان با استفاده از مدل تحلیلی کثرت‌گرایی روش شناسی انتگرال به بررسی متون تخصصی پرداخته و برای انجام این مهم طی ۴ فراز مجزا هر بار چارک دیگری از تلاقی تروریسم و اجتماع را دنبال و با توجه به ۴ سطح تحلیل؛ فرد تروریست، فرد تروریست در دل گروه تروریستی، جامعه حامی تروریسم و جامعه قربانی تروریسم مجموعاً ۶۹ شاخص شناسایی شد. برای تعیین روایی شاخص‌ها از روش روایی محتوا و مدل لاوشه استفاده شد. جامعه مخاطب با استفاده از مدل پیشنهادی لاوشه ۱۶ نفر از متخصصان حوزه سیاسی و امنیتی انتخاب شد و از این تعداد ۱۴ پرسش‌نامه تکمیل و به محققان تحویل شد. پس از تحلیل پرسش‌نامه‌ها تعداد ۳۱ شاخص مورد پذیرش قرار گرفت. در مرحله بعد به منظور دسته‌بندی شاخص‌ها بر اساس ظرفیت‌های سه‌گانه برگشت‌پذیری از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. بر اساس مدل نظر ارائه‌شده ۳۱ شاخص آشکار نهایی شده و در قالب ۳ متغیر پنهان (با عامل) شامل ظرفیت جذب، تطبیق و احیا قرار گرفت.

واژگان کلیدی: برگشت‌پذیری سیاسی، حملات تروریستی، روش انتگرال، ج.ا.ایران

## Developing indicators of political reversibility resulting from terrorist crises using the integral model

Nouri, Mahdi<sup>۱</sup>; GolParvar, Majid<sup>۲\*</sup>; Azhdari, Behnaz<sup>۳</sup>.

### Abstract

Political reversibility examines the capacity of political organizations to respond appropriately to internal and external events such as war, terrorist attacks, etc., and to adapt to the political changes and consequences that result from such events. The researchers of this study tried to address the research topic due to the scientific gap in this field. The main question of this research is what indicators can be provided for reversibility in the face of the political consequences of terrorist attacks? To answer this question, researchers have studied the specialized texts using the analytical model of pluralism of the integral methodology, and to do this, in four separate steps, each time follow another quarter of the intersection of terrorism and society, and according to four levels of analysis; The terrorist person, the terrorist person in the heart of the terrorist group, the community supporting terrorism and the community victim of terrorism, a total of 69 indicators were identified. Content validity method and Lavache model were used to determine the validity of the indicators. The target population was selected using the proposed model of Lavoshe 16 experts in the field of politics and security, of which 14 questionnaires were completed and delivered to researchers. After analyzing the questionnaires, 31 indicators were accepted. In the next step, in order to classify the indicators based on the three reversible capacities. Based on the proposed model, 31 finalized explicit indicators were considered in the form of three hidden variables including absorption.

**Keywords:** Political Reversibility, Terrorist Attacks, Integral Method, Islamic Republic of Iran

<sup>۱</sup>. PhD student, Department of Political Science and Law, Islamic Azad University, Baft Branch, Kerman, Iran.

<sup>۲</sup>. Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Baft Branch, Kerman, Iran.

<sup>۳</sup>. Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Baft Branch, Kerman, Iran.

۱۱۱

ویژه نامه دوم  
(پدافند غیر عامل)

دوفصلنامه  
علمی و پژوهشی

بهرین

تدوین شاخص‌های برگشت‌پذیری سیاسی ناشی از بحران‌های تروریستی با استفاده از مدل انتگرال - مجید گل‌پروور

بین افراد نظامی و غیرنظامی قائل نمی‌شود؛ بلکه اکثر اوقات با استفاده از کشتار غیرنظامیان می‌خواهد به اهداف سیاسی و ناعادلانه خود دست یابد. بی‌شک هر پدیده‌ای دارای تأثیر و پیامدهایی است. هر حادثه‌ای می‌تواند منجر به دامنه وسیعی از پیامدها شود که شامل پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... است [۳]. مطالعه در زمینه پیامدهای حملات تروریستی کمتر از حد نیاز صورت گرفته و آن چه هم اکنون در محافل علمی مطرح است، شامل علل و عوامل وقوع پدیده تروریسم و یا مبارزه با سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی است. موضوع اصلی در بررسی برگشت‌پذیری سیاسی این پیامدها است؛ موضوعی که تا کنون به‌طور دقیق بدان پرداخته نشده است.

بررسی برگشت‌پذیری جامعه در برابر پیامدهای حوادث تروریستی مسئله اصلی این تحقیق است که ضمن بررسی مفهوم برگشت‌پذیری سیاسی و عوامل تأثیرگذار بر آن بتوان به شاخص‌های مناسب برای تحلیل برگشت‌پذیری سیاسی در برابر بحران‌های ناشی از حوادث تروریستی دست یافت.

### مدل‌های برگشت‌پذیری

یکی از جنبه‌های بسیار اساسی در مطالعات و تحقیقات مرتبط با برگشت‌پذیری در برابر حادثه‌ها دست پیدا کردن به شیوه مناسب از سنجش میزان برگشت‌پذیری است. بر این اساس مدل‌های برگشت‌پذیری به بررسی انعطاف‌پذیری جوامع برای کاهش آسیب‌پذیری در مقابل پیامدهای ناشی از حوادث می‌پردازد. از این رو محققان حوزه برگشت‌پذیری به ارائه مدل برگشت‌پذیری روی آورده‌اند که هر یک به جنبه‌هایی خاص از برگشت‌پذیری پرداخته‌اند. در جدول شماره ۱ به مطالعات و یافته‌های آن اشاره شده است. بررسی پیشینه تاریخی بیان گر این مهم است که درباره موضوع مقاله پژوهش خاصی صورت نپذیرفته و صرفاً توسط مک کولی به موضوع برگشت‌پذیری سیاسی پرداخته شده است.

جدول ۱: پیشینه پژوهش [۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸]

نویسنده	موضوع	یافته‌ها
خانم رز (۲۰۰۷)	ویژگی‌های برگشت‌پذیری	برای ایجاد این چارچوب مفهومی که خود جزئی از ساختار مفهومی برگشت‌پذیری است، از ۳ ظرفیت استفاده شده است تا چگونگی تعیین برگشت‌پذیری از طریق ویژگی‌های ذاتی مشخص شود. ۳ ظرفیت یادشده عبارتند از: ظرفیت جذب، ظرفیت تطبیق و ظرفیت احیا.
توبین (۱۹۹۹)	ارائه مدل	در مدل پیشنهادی خود به ارزیابی برگشت‌پذیری جوامع واقع در مناطق پرمخاطره پرداخته که چارچوب اتخاذ شده آن بیشتر اکولوژیکی است و برای نشان دادن نحوه پایداری و برگشت‌پذیری جامعه ۳ الگوی: تقلیل خطر، الگوی بازبانی و الگوی ساختاری-جمعیتی استفاده شده است.
دیویس (۲۰۰۶)	ارائه مدل	در تحقیقات خود مدل خطی-زمانی را ارائه می‌دهد. این مدل نشان می‌دهد جامعه در قالب خطی-زمانی در شرایط خاص به دنبال توسعه می‌تواند در طول زمان آسیب‌پذیری خود را بهبود بخشد.
مایانگا (۲۰۰۷)	ارائه مدل	مدل سرمایه‌محور را ارائه می‌کند. این مدل به‌عنوان چارچوبی برای ارزیابی برگشت‌پذیری جامعه در برابر سوانح مبتنی بر انواع سرمایه (اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی، انسانی و طبیعی) مطرح شده است.

برگشت‌پذیری مفهومی تازه در حوزه‌های مختلف علم است که حدود ۳ دهه است، مورد استفاده محافل علمی قرار گرفته است. علی‌رغم مطالعات گسترده در حوزه برگشت‌پذیری تاکنون هیچ مجموعه ویژه‌ای از شاخص‌ها یا چارچوب‌های سازمان‌یافته برای کمی‌سازی برگشت‌پذیری حوادث به وجود نیامده است؛ با وجود این در جامعه علمی اجماعی وجود دارد، مبنی بر اینکه برگشت‌پذیری مفهومی چندجانبه و دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی، نهادی و کالبدی است. مفهوم برگشت‌پذیری در بعد اجتماعی شامل تفاوت ظرفیت اجتماعی در واکنش مثبت نشان دادن، انطباق با تغییرات، حفظ رفتار سازگارانه و بازبانی یافتن از حوادث بوده و با در نظر گرفتن متغیرهای اقتصادی، جمعیت‌شناسی و سازمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اما هیچ ردپایی از متغیر سیاسی در بعد اجتماعی دیده نمی‌شود. بر این مبنا در حوادث ایجاد می‌شود جامعه که پیامدهای سیاسی برای آن می‌تواند متصور بود، هیچ بررسی علمی درباره سنجش برگشت‌پذیری سیاسی جامعه صورت نپذیرفته است [۱]. به‌طور کلی برگشت‌پذیری سیاسی به بررسی ظرفیت سازمان‌های سیاسی می‌پردازد تا بتوانند به رویدادهای داخلی و خارجی مانند جریان‌های بزرگ مهاجرت، جنگ، حملات تروریستی، بحران مالی، تغییرات سریع جمعیت، تغییر محیط زیست و غیره واکنش مناسب نشان داده و با تغییرات و پیامدهای سیاسی ناشی از این قبیل رویدادها سازگاری یابند [۲]. هر چند که در برخی از منابع (به صورت محدود) به برگشت‌پذیری سیاسی اشاره شده و تعریفی از آن ارائه شده، اما درباره مؤلفه‌های مؤثر بر آن و حتی ارائه مدلی برای بررسی آن اشاره نشده است. امروزه یکی از عمده‌ترین مسائلی که صلح و امنیت بین‌المللی و بالطبع امنیت کشور ما را تهدید می‌کند، مسئله تروریسم است. تروریسم پدیده‌ای است که تفاوتی

نویسنده	موضوع	یافته‌ها
کاتر و همکاران (۲۰۰۸)	ارائه مدل	مدل مکانی (DROP) برگشت‌پذیری را ارائه داده‌اند. این مدل به منظور روشن کردن رابطه بین برگشت‌پذیری و آسیب‌پذیری طراحی شده و ارزیابی مقایسه‌ای از برگشت‌پذیری سوانح در سطح محلی و جامعه ارائه می‌کند.
مک کولی (۲۰۱۲)	برگشت‌پذیری سیاسی	در تحقیقاتی تحت عنوان برگشت‌پذیری سیستم‌های سیاسی معتقد است برگشت‌پذیری سیاسی به ظرفیت سازمان‌های سیاسی می‌پردازد تا بتوانند به سازگاری با واکنش‌ها و رویدادهای داخلی و خارجی مانند جریان‌های بزرگ مهاجرت، جنگ، بحران مالی، تغییرات سریع جمعیت، تغییر محیط زیست و غیره بپردازد. یکی از جنبه‌های اصلی برگشت‌پذیری تمایز بین مقاومت و سازگاری است.
پرویز پیران و همکاران (۱۳۹۴)	برگشت‌پذیری اجتماعی	در مقاله‌ای با عنوان نقش برگشت‌پذیری اجتماعی در موفقیت فرآیند بازسازی (مطالعه موردی: زلزله سال ۱۳۸۵ لرستان) تلاش در بررسی مفهوم برگشت‌پذیری اجتماع و جایگاه آن در موفقیت برنامه‌های بازسازی پس از زلزله دارند.
نکویی و نوری (۲۰۱۵)	مدل برگشت‌پذیری - پایداری	در مقاله‌ای با عنوان مدل تعیین شاخص برگشت‌پذیری-پایداری (SRI) برای شهرسازی آبی-خاکی در کنفرانس بین‌المللی (ICADE ۲۰۱۵) بیان می‌دارند طراحی‌های تازه در زمینه خانه‌های شناور مورد توجه پژوهشگران و حتی شرکت‌های متعددی در اروپا قرار گرفته است. پروژه‌هایی همچون اکوبوت هم بر اساس همین قاعده با رویکرد توسعه پایدار ایجاد شده‌اند.
رفیعیان و همکاران (۱۳۹۶)	تبیین مفهوم برگشت‌پذیری	در مقاله خود با عنوان تبیین مفهومی برگشت‌پذیری و شاخص‌سازی آن در مدیریت سوانح اجتماع محور (CBDM) به بررسی تعریف‌ها، رویکردها، شاخص‌ها و مدل‌های سنجشی برگشت‌پذیری ارائه شده توسط متخصصان و اندیشمندان متعدد می‌پردازد.
یزدانی نسب و نوری (۱۳۹۵)	آسیب‌پذیری شهرها در برابر جنگ و حملات تروریستی	در پروژه تحقیقاتی با موضوع آسیب‌پذیری اجتماعی شهرها در بحران‌های ناشی از جنگ، حملات تروریستی و ارائه راهکارهای کاهش آن معتقدند امروزه جنگ و کشمکش به صورت خواسته یا ناخواسته با زندگی و حیات جوامع بشری آمیخته شده است و در بسیاری از موارد به نظر می‌رسد که هیچ راه‌گریزی از آن وجود ندارد. همچنین انواع آسیب در ۴ بعد اجتماعی، اقتصادی، زیستی و فنی منفک شدند. شدت آسیب‌های اجتماعی مختلف برای هر یک از این جنگ‌ها شناسایی و سپس پیامدهای عمده این آسیب‌ها بررسی شد و در نهایت راهکارها ارائه شد.

## چارچوب نظری

### مدل کثرت‌گرایی روش‌شناختی انتگرال

کثرت‌گرایی روش‌شناختی انتگرال (IMP) رویکردی را ارائه می‌کند که بخشی از حقایق دیدگاه‌های اثبات‌گرا و فرااثبات‌گرا را شامل می‌شود و سپس آن‌ها را در چارچوبی که بستر همگرایی آنهاست، دوباره جای می‌دهد. از نظر ویلبر انتگرال واژه‌ای به معنای یکپارچه کردن و ادغام، کنار هم آوردن، پیوند دادن، متصل کردن و دربرگرفتن است. نه به‌صورت همشکل کردن و نه به‌صورت یکسان‌سازی همه تفاوت‌ها، رنگ‌ها، پیچ و خم‌های شگفت‌انگیز رنگین کمان رنگارنگ انسانی؛ بلکه به‌صورت یگانگی-در-چندگانگی مشترکات در کنار تفاوت‌های شگفت‌انگیز و نه تنها در بین انسان‌ها بلکه در کل کیهان: یافتن دیدگاهی جامع‌تر (نظریه‌ای برای همه چیز) که فضای مشترک مورد قبولی برای

هنر، اخلاق، علم و دین ایجاد کند و تلاشی صرف برای فروکاستن همه این‌ها به برش مورد علاقه کسی از کیک هستی نباشد. تکثرگرایی روش‌شناختی انتگرال مدعی وجود ۸ روش، پارادایم یا قلمرو بنیادی تقرر و تحقق پدیده‌هاست. در مجموع این ۸ روش تحت عنوان چارک‌ها شناخته می‌شوند که ۴ وجه غیرقابل فروکاستن هر موقعیت را نشان می‌دهد. چارک‌ها در کنار هم نشان دهنده ساحت‌های درونی و بیرونی فردی و جمعی است. در هر نظام زبانی این ساحت‌ها در ضمائر به‌کارگرفته شده اول، دوم و سوم شخص متجلی می‌شود. «من» به ساحت درونی ذهنی یا حوزه ارادی، «ما/ شما» به ساحت درونی بیناذهنی یا حوزه فرهنگی، «آن» به ساحت بیرونی عینی یا حوزه رفتاری و «آن‌ها» به ساحت بیرونی بیناعینی یا حوزه اجتماعی اشاره دارد [۹]. شکل ۱ این واقعیت‌های بنیادین یا چارک‌ها را به تصویر می‌کشد:

بیرونی - فردی رفتارها	درونی - فردی تجارب
آن	من
بیرونی - جمعی سیستم‌ها	درونی - جمعی فرهنگ‌ها
آنها	ما

راست پایین

چپ پایین

شکل ۱. ۴ چارک [۱۰]

منحصربه‌فرد یک سیستم را که متفاوت از ویژگی‌های تک‌تک اجزا یا اعضای تشکیل دهنده آن است، آشکار می‌سازد. دیدگاه درونی یک سیستم عینی «آنها» را با به‌کارگیری رویکرد خود-ساز مندی اجتماعی می‌تواند به‌دست آورد [۱۲].

با توجه به موضوع تحقیق و رویکرد روش‌شناختی انتگرال به تروریسم از جانب فرد در چارک ارتباطی با آن با سطوح مختلف اجتماع به شیوه‌ای پیوسته رصد کنیم و ذیل چنین رویکردی به بررسی نسبت برقرار میان ویژگی‌های فردی و مناسبات اجتماعی در توجه روان‌شناختی به تروریسم بپردازیم. به این ترتیب، به گونه‌ای ساختاری جریان گسترش‌یابی نقاط تلاقی تروریسم با حوزه عمومی را در این چارک مطالعه خواهیم کرد. برای انجام این مهم طی ۴ فراز مجزا هر بار چارک دیگری از تلاقی تروریسم و اجتماع را دنبال و بررسی کنیم. این ۴ چارک به قرار زیر هستند:

چارک نخست، مطالعه فرد تروریست (بررسی تروریسم در پایه‌ای‌ترین واحد مطالعه‌ای آن یعنی فرد تروریست)؛ چارک دوم، مطالعه فرد تروریست در دل گروه تروریستی مشارکت‌کننده در آن (بررسی تروریسم در دل موقعیت اجتماعی محدود و معمولاً انزواطلبانه گروه تروریستی که فضای نیمه‌عمومی ویژه‌ای را سبب شده و جریان پیوسته جامعه‌پذیری ویژه‌ای را برای اعضای گروه تروریستی نتیجه بخشیده است).

چارک سوم، مطالعه جامعه حامی تروریسم (بررسی تروریسم در بخشی از فضای عمومی که معمولاً حائز شناسه هویتی ویژه‌ای مانند: قومیت، مذهب یا موقعیتی خاص است و به صورت توهمی یا واقعی به مثابه عرصه عمومی فراهم‌آورنده حمایت یا همدلی با گروه تروریست و فرد تروریست عمل کرده است).

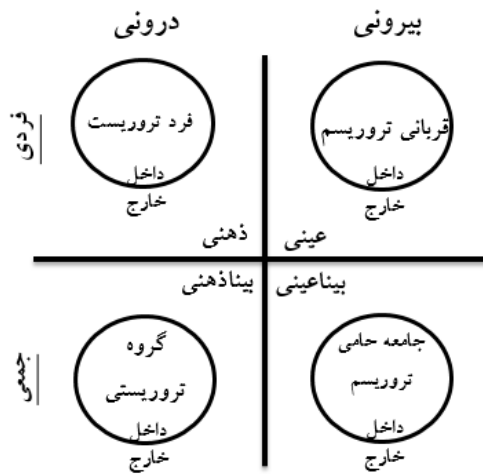
چارک چهارم، مطالعه «جامعه قربانی تروریسم» (بررسی تروریسم در بالاترین سطح اجتماعی تأثیرگذاری بر رفتارهای تروریستی یا تأثیرپذیری از آن در عرصه عمومی و حوزه فراگیر جامعه). در شکل شماره ۲ مدل مفهومی بررسی چارک ارائه شده است [۱۳].

با شروع از چارک چپ بالا تجربه یک «من» می‌تواند از درون یا از بیرون دیده شود. دیدگاه درونی یک «من» تجربه حسی دریافت لحظه حاضر از طریق درون‌بینی، مراقبه یا سایر رویکردهای پدیدارشناختی است. از بیرون یک مشاهده گر عینی می‌تواند دیدگاه بیرونی یا سوم شخصی به یک «من» را اتخاذ کند و این شامل دیدگاه شخص نسبت به درون خود یا به درون شخص دیگر هم می‌شود. ساختارگرایی بهترین نمونه از رویکرد ردیابی و مطالعه درون شخصی از دیدگاهی بیرونی است که به بررسی ظهور الگوها یا ساختارهای خودآگاهی در طول زمان پرداخته و با دقتی خاص در پی کشف نظم و ترتیب گشایش آن هاست [۱۱].

به همان سیاق «ما» در چارک چپ پایین می‌تواند از درون یا بیرون نظاره شود. دیدگاه درونی در حوزه بینادهنی در تلاش است تا نحوه رسیدن ۲ یا چند «من» به فهمی مشترک را فهم کند. مطالعه و بررسی حوزه ارزش‌های مشترک، معانی و فضاهای جهانی به بهترین نحو از طریق رویکردهای هرمنوتیکی صورت می‌گیرد.

در چارک راست بالا یک «آن» عینی را هم می‌توان از درون و بیرون مورد مشاهده قرار داد. دیدگاه بیرونی یک «آن» توسط تجربه‌گرایی سنتی بررسی می‌شود. رویکردی که شامل روش‌هایی همچون تجربه‌گرایی حسی و رفتارگرایی می‌شود. با به‌کارگیری حواس و ابزارهای ملحق به آنها (از قبیل میکروسکوپ‌ها) علوم طبیعی عناصر و نیروهای مادی، موجودات زنده و رفتار مغز را مطالعه می‌کنند. به درون یک «آن» عینی می‌توان از طریق درک سوم شخص از درونیات اول شخص از اشیای سوم شخصی دسترسی پیدا کرد.

در چارک راست پایین یک سیستم عینی «آنها» که از بیرون نظاره شود، دیدگاهی را ایجاد می‌کند که به جای مطالعه رفتار یک موجود به‌تنهایی به مطالعه موجودات متفاوت در حال تعامل و رفتار آنها به مثابه یک کل می‌پردازد. روش اصلی به‌کارگرفته‌شده در مطالعه «آنها» از بیرون نظریه سیستم هاست. این نظریه ساختار، کارکرد و ویژگی‌های تازه یا جنبه‌های



شکل ۲. مدل مفهومی تولید داده بر اساس نظریه انتگرال [۱۴]

این موضوع به عنوان نتیجه تلاش هایی تحقق یافت که برای درک شناخت دلایل ناخوشی ها و توسعه آسیب شناسی روانی انجام شده بود. یکی از انواع مطالعات در زمینه برگشت پذیری بررسی ابعاد روان شناختی کودکان است. پیشگامان مطالعه برگشت پذیری به تجزیه و تحلیل خطرات و آثار منفی اتفاقات ناسازگار زندگی روی کودکان مانند فشارهای مربوط به طلاق و آسیب روانی علاقه-مند بودند. این مطالعات نشان می دهد که ضرورت اصطلاحاتی مانند برگشت پذیری و آسیب ناپذیری یکی از بحث برانگیزترین موارد شده است [۱۵]. می توان گفت از منظر اندیشمندان مختلف تعاریف مختلفی هم از برگشت پذیری ارائه شده که در جدول شماره ۲ اشاره می شود.

برگشت پذیری واژه برگشت پذیری از واژه لاتین «resilio» به معنای «به طور ناگهانی عقب نشینی کردن» استخراج شده است؛ اگر چه درباره ریشه این کلمه هنوز اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی می گویند بوم شناسی و برخی دیگر بر فیزیک نظر دارند. «در زمینه بوم شناسی، این کلمه در پی انتشار اثر هالوئینگ به نام برگشت پذیری و پایداری سامانه های اکولوژیکی در سال ۱۹۷۳ رواج پیدا کرد.» به هر حال مطالعات مبانی نظری بیان می کنند که مطالعه برگشت پذیری از شیوه های روان شناسی و روان پزشکی سال های دهه ۱۹۴۰ استنتاج شد که قسمت عمده آن توسط نورمن گرامزی، امی ورنر و راث اسمیت توسعه یافت.

تعریف	نویسنده
به ظرفیت برآمدن از عهده خطرات ناگهانی پس از پیدایش برگشت پذیری گفته می شود؛ یادگیری ترمیم و بازیابی	Wildavsky (۱۹۹۱)
برگشت پذیری ظرفیت اضافی یا توانایی یک سامانه برای هضم مشکل است یا میزان مشکلی است که یک سامانه پیش از اینکه ساختار سامانه به وسیله تغییر دادن متغیرها تغییر کند، می تواند هضم کند.	Holling et al (۱۹۹۵)
برگشت پذیری کیفیت بنیادی اشخاص، گروه ها، سازمان ها و سامانه ها به عنوان یک کل است برای پاسخگویی مفید به تغییر چشمگیری که در هنگام از هم گسستن الگوی پیش بینی شده حوادث رخ می دهد؛ بدون به کارگرفتن دوره ای طولانی از حرکت رو به پسرفت.	Horne and Orr (۱۹۹۸)
برگشت پذیری توانایی شخص یا سازمانی برای طراحی سریع و حرکات مثبت انطباقی کاربردی هماهنگ شده با وضعیت اضطراری است؛ به گونه ای که فشار کمی را متحمل شود.	Mallak (۱۹۹۸)
با توجه به معانی بلایا برگشت پذیری محلی بدین معناست که یک منطقه، بدون متحمل شدن ضررهای ویرانگر، خرابی، کم شدن بهره وری یا کیفیت زندگی و بدون گرفتن کمک زیاد از طرف جوامع خارجی قادر به پایداری در برابر یک حادثه طبیعی بسیار بزرگ باشد.	Miletti (۱۹۹۹)
ظرفیت سازگار کردن منابع و مهارت های موجود برای سامانه های تازه و شرایط عملیاتی.	Comfort (۱۹۹۹)
برگشت پذیری یک فرآیند فعال خوداصلاح کننده را شرح می دهد. تدبیر آگاهانه و رشد توانایی برای فعالیت به لحاظ روان شناسی در سطحی بسیار بزرگ نسبت به انتظار معینی که با توجه به توانایی های اشخاص و تجربه های پیشین وجود دارد.	Paton, Smith and Violanti (۲۰۰۰)
ظرفیت جوامع یا اکوسیستم های آسیب دیده برای هضم آثار منفی و ترمیم آن ها.	Cardona (۲۰۰۳)
توانایی یک عامل برای برآمدن از عهده فشار یک خطر یا سازگار شدن با آن.	Pelling (۲۰۰۳)
برگشت پذیری اکوسیستمی ظرفیت یک اکوسیستم است، برای تحمل کردن آسیب بدون هضم شدن در درون شرایط متفاوت کیفی که به وسیله مجموعه متفاوتی از فرآیندها کنترل می شود.	Resilience Alliance (۲۰۰۵)
ظرفیت یک سامانه، جامعه یا اجتماع در معرض خطرات برای سازگار شدن، مقاومت کردن یا تغییر دادن برای رسیدن به سطح قابل قبولی از عملیات، ساختار و ادامه آن. این موضوع تعیین می شود به وسیله درجه ای که سامانه اجتماعی قادر به سازمان دهی خودش است، برای افزایش این ظرفیت، آموختن از بلایای گذشته، حفاظت آتی بهتر و بهبود ارزیابی های کاهش امکان خطر.	UNISDR (۲۰۰۵)



سیستم برای جذب شوک یا رویداد اختلال‌زاست، ظرفیت تطبیق که توانایی تطبیق با شوک است و ظرفیت بهبود که توانایی سیستم برای بهبود است. برگشت‌پذیری بهتر سیستم از طریق تقویت ویژگی‌های برگشت‌پذیری امکان‌پذیر است؛ به این معنی که یک یا چند ویژگی (ظرفیت‌های یادشده) تقویت شود [۱۸]. بر اساس نظر خاتم تد لوئیس برخی ویژگی‌های ذاتی بر برگشت‌پذیری اثر دارد. بنابراین چارچوبی کیفی برای توضیح نتایج بخش کمی یا مواقعی که داده‌ای برای تحلیل کمی در دسترس نیست، نیاز است. چنین چارچوب مفهومی از طریق ساختار و ویژگی‌های سیستم‌ها (سازمان‌ها) قابل ایجاد است. ویژگی‌های ذاتی که برگشت‌پذیری را افزایش می‌دهد، نیاز کمتری به اثر سیستمیک و تلاش برای بهبود کامل دارد. برای ایجاد این چارچوب مفهومی که خود جزئی از ساختار مفهومی برگشت‌پذیری است، از ۳ ظرفیت استفاده شده تا چگونگی تعیین برگشت‌پذیری از طریق ویژگی‌های ذاتی مشخص شود. ۳ ظرفیت یادشده عبارتند از ظرفیت جذب، ظرفیت تطبیق و ظرفیت احیا [۱۹]. شکل شماره ۲ ویژگی‌های متمایز ظرفیت‌ها و برگشت‌پذیری را به‌طور خلاصه ارائه می‌دهد.

تعاریف ارائه‌شده از برگشت‌پذیری ذات تغییر وضعیت را در خود دارد که شامل تعدیل آثار نامطلوب، تطبیق با تغییر یا بهبود از آن است. بسیاری از تعاریف ارائه‌شده بر سرعت بهبود تأکید می‌کند و تعداد اندکی هم بر تعدیل آسان تأکید می‌کند؛ زیرا تعدیل و تطبیق آسان منابع کمتری را برای فراگرد بهبود می‌طلبد و از این نظر زمان و هزینه کمتری صرف می‌شود. در صورتی که جامعه را همانند یک سیستم فرض کنیم و سیستم را مجموعه‌ای از واحدهای مرتبط که یک کل را تشکیل می‌دهد و دارای هدف جمعی و قابل‌سنجش هستند، بنابر این برگشت‌پذیری سیستم به شوک (رویداد اختلال‌زا) عبارت است از توانایی سیستم در کاهش شدت و مدت انحراف از سطوح عملکردی هدف گذاری شده و بهبود سریع شوک می‌تواند سیستم را در وضعیت دیگر قرار دهد که معمولاً شرایط نامطلوب است. در این تعریف برگشت‌پذیری ترکیبی از اثر شوک، زمان و هزینه مورد نیاز سیستم برای بهبود است [۱۷]. به‌منظور درک بهتر تعریف به تشریح تعاریف آن می‌پردازیم. بخشی از برگشت‌پذیری سیستم به ویژگی‌های ذاتی سیستم بستگی دارد که تحت عنوان ۳ ظرفیت یا ویژگی تعریف می‌شود. ظرفیت جذب که توانایی

برگشت‌پذیری			جزء
کوشش برای بهبود	اثر سیستمیک		ویژگی‌های تعیین‌کننده
ظرفیت احیا	ظرفیت تطبیق	ظرفیت جذب	ویژگی‌های متمایز
تولنایی اثرگذاری و بازسازی ویژگی‌های داخلی سیستم	وجه داخلی که پس از شوک و طی گذر زمان بروز می‌نماید.	وجهی که به طور خودکار پس از شوک بروز می‌نماید.	تلاش مورد نیاز
معمولاً به تلاش خارج از سیستم نیاز است.	تلاش داخلی نیاز است.	خودکار است و تلاش اندکی نیاز است.	نحوه سنجش
سنجش بیرونی	سنجش داخلی		

شکل ۲. ظرفیت‌های برگشت‌پذیری سیستم [۲۰]

مطالعه تروریسم از منظر روان‌شناسی اجتماعی و نسبت آن با مقوله امنیت به مثابه نیازی مرکزی در زندگی اجتماعی و سیاسی معاصر بپردازیم و در حد وسع و بضاعت خویش پرده از بخش‌های مهم این حوزه مطالعاتی کمتر گشوده شده برکشیم. رویکرد روان‌شناسانه به اقتضای طبع خود در عطف توجه به فرد به مثابه پایه تحلیل نگاه ما را در مطالعه این پدیده تا سرحد بررسی روان فرد تروریست که طبعاً غیراجتماعی‌ترین سطح مطالعه در چنین حوزه چندوجهی است، تقلیل می‌بخشد.

**جمع آوری و تولید داده‌ها**  
در این بخش به‌منظور تدوین شاخص‌های برگشت‌پذیری سیاسی ابتدا با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی منابع در دسترس و بهره‌گیری از مدل انتگرال از رویکرد روان‌شناسی اجتماعی تروریسم استفاده می‌کنیم. «روان‌شناسی اجتماعی تروریسم» در شمار اصطلاحاتی قرار دارد که رد پای آن را در طیفی وسیع از پژوهش‌ها درباره تروریسم می‌توان مشاهده کرد؛ در این بخش می‌کوشیم به سطوح مختلف

پرواضح است که مطالعه ای این گونه از تروریسم، به دلیل توجه به سطح خرد تحلیل (روان فرد) مستعد بی توجهی به جوانب اجتماعی و پویایی های ناشی و منشعب از حوزه عمومی است. چنین درکی احتمالاً قادر به شناسایی تنوع حاکم بر انگیزه ها و سایر عوامل مؤثر در شکل گیری تروریسم در سطوح فرافردی و عرصه های عمومی نخواهد بود؛ در حالی که مطالعه تروریسم از منظر تأثیرها و تأثیرهای آن بر فرد به مثابه واحد پایه ای تحلیل روان شناختی این پدیده، هنگامی

برای مطالعات علوم اجتماعی ارزشی افزوده و مضاعف خواهد داشت که نتایج تأملات ناشی از شناخت آن در سطح خرد به سطوح کلان تر تسری یابد و درکی از تروریسم در پی چنین مطالعه ای حاصل آید که برخی از ابعاد ناپیدای این پدیده را در ظرف اجتماع مشخص کند [۲۱]. با توجه به مدل تولید داده بر اساس نظریه انتگرال و بررسی منابع مرتبط داده های اولیه تحقیق به شرح جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. داده های اولیه تحقیق بر اساس نظریه انتگرال [۲۲]

سطح تحلیل	داده های اولیه تحقیق
درونی - فردی	پر خاشگری ابزاری فرد تروریست (استفاده ابزاری فرد تروریسم از خشونت)، علاقه فرد تروریست به ایجاد تغییر، وجود بحران هویتی در فرد تروریست و تلاش برای هویت آفرینی، رفع ظلم (تلاش تروریست برای رفع ظلم حاکم بر خود و همگروهان)، جلب توجه دیگران و معطوف کردن نظر دیگران به خود، خودکشی ناشی از ناامیدی به زندگی بر اساس شرایط موجود و تلاش بر انتقام از دیگران، ناعادلانه بودن مناسبات سیاسی - اجتماعی (باور تروریست بر ناعادلانه بودن مناسبات)، فهم تهاجمی و خشم خودستایانه (بی ارزش کردن دیگران و تقویت ادراک های خودستایانه)، هویت منفی (شکل گیری هویت منفی در تروریست ناشی از عدم کسب هویت یکپارچه بر اساس ارزش های خانواده و جامعه)، اعتقاد به وجود محرومیت نسبی (اعتقاد تروریست به شکاف بین توقعات خود و واقعیت موجود)، قومیت گرایی (اعتقاد تروریست به غصب به ناحق خاکش یا حقوقش)، همانندسازی شخصی (همانندسازی تروریست با گروه تروریستی)، پذیرش ارزش فرهنگی جمع گرایی (مقدم دانستن فرهنگ گروه بر فرهنگ شخصی توسط تروریست)، جمع گرایی (ارجحیت دادن به منافع جمع توسط فرد تروریست)، مطلق گرایی تفکر دوگانه (تفکیک ما از آن ها توسط فرد تروریست)، مطلق گرایی مذهبی (برتری دانستن خود بر دیگران از نظر مذهبی توسط فرد تروریست)، پایبندی به خانواده و قبیله توسط فرد تروریست، القای همانندسازی درون گروهی (فاصله گرفتن از نهادهای رسمی و تمایل به گروه های غیررسمی توسط فرد تروریست)، القای همانندسازی برون گروهی (شکل گیری هویت فرد تروریست از طریق همانندسازی با افراد مهم دیگر در گروه تروریستی)، هویت سرگشته و بی هدف (فقدان تعهدات هویتی معنادار و سردرگمی درباره نحوه شکل گیری این قبیل تعهدات در فرد تروریست)
درونی - جمعی	تولید نظام ویژه اولویت در گروه تروریستی (تلاش گروه تروریستی برای ایجاد انسان هایی با اولویت های ویژه و متفاوت)، ایجاد دوگانگی شخصیت (تلاش برای رسوخ ایدئولوژی های سخت گیرانه مبارزه گروه تروریستی در جان اعضا)، منازعات سیاسی گروه تروریستی با نظام حاکم، استفاده ابزاری از مذهب، ساختار سازمانی هرمی و سلسله مراتبی، تلاش برای فراملی بودن و عدم نیاز به حمایت از جانب دولت ها (حتی در ظاهر)، استفاده از تکنولوژی های تازه و سلاح های کشتار جمعی، تولید هویت (ایجاد هویت تازه در جامعه)، منطق روان شناختی حاکم در گروه تروریستی، جنگ و گریز هویتی (تلاش گروه تروریستی برای محافظت از هویت خود یا باید به جنگ دشمنان احتمالی بروند و یا از مقابل آن ها فرار کنند)، ایجاد وابستگی ذهنی (که گروه را به سمت اطاعت از رهبری مقتدر متمایل می کند)، ایجاد تعلیق عاطفی شدید، استقرار روابط قدرت سلسله مراتبی، نظام تصمیم گیری خیمه ای، ایجاد ساختار خوشه ای و غیرهسته ای، ایجاد هویت شبکه ای (به منظور پیوستگی گروه های کوچک با شاخه اصلی)، استقرار همگرایی دوستانه، تأثیرات ایدئولوژی های سخت گیرانه مبارزه جویی، روحیه قدرت طلبی، روحیه منفعت جویی، روحیه ملیت گرایی
بیرونی - جمعی	روند دولت - ملت سازی (استیصال بین آن ها در مرحله دولت - ملت سازی مدرن)، تغییر وضع موجود، تشکیل سازمان همدرد، عدم سازگاری با تاریخ و هویت سایر اقوام تحت حاکمیت، دستیابی به اهداف سیاسی، گسترش آگاهی عمومی، تفاوت نظام ارزش های حاکم بر فهم موقعیت های عرصه سیاست خارجی
بیرونی - فردی	ایجاد حس انتقام گیری، ایجاد حس عدم امنیت، ایجاد مقاومت مشروع، احساس حق جنگ پیشگیرانه را در مقابل تروریسم، تضعیف اعتماد به نفس در افراد جوامع، احساس امنیت در افراد جوامع، بروز رفتارهای پیشگیرانه مثل ذخیره سازی آب و غذای اضطراری، مدارا و بردباری (در حوزه فعالیت های سیاسی)، دلبستگی و وفاداری (ملیت گرایی، استقلال)، عدالت خواهی، مباحثات و غرور سیاسی (افتخار به کشور، نهادهای سیاسی و به مردم)، رضایت سیاسی (میزان احساس راحتی نسبت به نهادهای سیاسی)، اعتماد سیاسی (اعتماد به نخبگان سیاسی و نظام سیاسی)، توانایی سیاسی (مهارت های سیاسی نظام و نخبگان سیاسی)، اثر بخشی درونی (باور به میزان تأثیر گذاری بر نهادهای سیاسی)، اثر بخشی بیرونی (رعایت حقوق شهروندان، توجه به آرا و عقاید افراد جامعه از طرف نظام سیاسی)، توانایی مدنی (مهارت های مدنی، رقابت سیاسی در نظام سیاسی)، وظیفه مدنی (تکلیف و مسئولیت مدنی نظام سیاسی)، تأثیر ساختار سیاسی حاکمیتی (دولت، مجلس و...) و غیر حاکمیتی (احزاب، گروه های سیاسی...)، پایبندی به نخبگان حاکمیتی (رئیس جمهور و...) و غیر حاکمیتی، حقوق شهروندی (انتخاب شدن و انتخاب کردن، آزادی بیان، عضویت در نهادهای سیاسی)، دموکراسی.

## پالایش فاکتورهای انتخابی

پس از استخراج داده‌های مورد نیاز از منابع داخلی و خارجی لازم است از میان تمامی موارد ذکر شده، بخشی به‌عنوان عوامل کلیدی تاثیرگذار که تحت عنوان پیشران در تدوین مدل استفاده می‌شوند، شناسایی شوند. این پیشران‌ها مواردی هستند که نقش بسزایی در فضای مورد مطالعه دارند، بنابر این به همین نسبت از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. بر این اساس ابتدا به روایی فاکتورهای استخراجی پرداخته می‌شود و سپس شاخص‌های نهایی با توجه به ظرفیت‌های سه گانه برگشت‌پذیری (جذب، تطبیق و احیا) دسته‌بندی می‌شوند.

### تعیین روایی شاخص‌های شناسایی شده

روش‌های مختلفی به‌منظور تعیین روایی ابزار (مدل یا پرسش‌نامه) استفاده می‌شود این روش‌ها عبارتند از روایی ظاهر، روایی محتوا، روایی همزمان، روایی پیشین و روایی سازه. این روش‌ها هر کدام با اهداف مشخصی استفاده می‌شوند. روایی ظاهر جهت بررسی ظاهری ابزار، روایی محتوا به‌منظور تطابق محتوایی ابزار، روایی همزمان هنگامی که پرسش‌نامه استاندارد در اختیار باشد، روایی پیشین جهت پیش بینی پدیده‌ای در آینده و روایی سازه جهت انطباق ساختاری ابزار با نظریه‌های قبلی به‌کار می‌رود. معمولاً در طراحی پرسش‌نامه، در ابتدا، جهت انطباق ظاهری و تعیین دامنه محتوایی پرسش‌نامه از روش روایی ظاهر و روایی محتوا استفاده می‌شود. در این تحقیق از آنجا که هدف طراحی پرسش‌نامه اختصاصی برای تدوین مدل است، از روایی محتوا استفاده می‌شود؛ چرا که روایی محتوا اعتبار بیشتری نسبت به روایی ظاهری دارد. در این راستا با توجه به مرور روش‌های مختلف از روش لاوشه استفاده می‌شود [۲۳].

لاوشه (۱۹۷۵) مدلی برای تعیین روایی محتوایی ابداع کردند؛ به این ترتیب که پرسش‌نامه در اختیار گروه پانل قرار می‌گیرد که نقش آن راهنمایی اعضای گروه پانل است بطوری که امکان قضاوت دقیق اعضا بر اساس ضرورت اجزای ابزار (مدل یا پرسش‌نامه) فراهم می‌آورد و از آن‌ها خواسته می‌شود که نظر خود را درباره هر آیت در مقیاس قضاوتی که تعیین شده، لحاظ کنند. پاسخ اعضا به شرح زیر کدگذاری می‌شود: E - ضروری، U - مفید اما غیر ضروری، N - غیر ضروری. از آن‌جا که ممکن است برداشت‌های مختلفی از مقیاس قضاوتی صورت گیرد (با در نظرگیری راهنمایی‌های هنرسون و همکاران (۱۹۸۷)، بنابر این تصمیم بر آن شد که ملاک قضاوت در این پرسش‌نامه به صورت «کاملاً موافق»، «موافق»، «نظری ندارم»، «مخالف»، «کاملاً موافق» مقیاس‌بندی شود. به نظر می‌رسد این مقیاس مطابق با راهنمایی‌های لیدی و اورمرود (۲۰۰۱) به دلیل برخورداری از طیف وسیع

تر پاسخ‌ها و لحاظ کردن عبارت «نظری ندارم» روند پاسخ‌گویی را تسهیل کند. از طرفی این مقیاس که از مقیاس لیکرت الگوبرداری شده است، توالی پاسخ‌گویی در آن مشهودتر است. به‌منظور شناسایی اعضای پانل تعیین روایی نیاز است که افراد گروه پانل شناسایی شوند. معمولاً اعضای گروه پانل ارزیاب روایی بایستی از متخصصانی تشکیل شوند که در حوزه دامنه محتوایی پرسش‌نامه فعالیت داشته باشند تا امکان قضاوت دقیق و صحیح فراهم شود. به دلیل مشکلاتی نظیر تعداد کم متخصصان در حوزه برگشت‌پذیری سیاسی و چند رشته‌ای بودن دامنه محتوایی مطالعه، تصمیم بر آن شد که حداقل ۸ نفر و حداکثر ۱۶ نفر در روند روایی سنجی این پرسش‌نامه شرکت کنند. تعداد حداقل ۸ نفر بر این اساس انتخاب شد که ۲ برابر حداقل تعداد پیشنهادی لاوشه است تا با سطح اطمینان بیشتری به توافق آرای مورد نیاز و به ضریب اعتبار بیشتر از ۰/۶۰ دست یابیم. این مقداری است که توسط چادویک و همکاران (۱۹۸۴) به‌عنوان حداقل ضریب اعتبار تجزیه و تحلیل روایی پذیرفته شده است. تعداد حداکثر ۱۶ نفر بر این اساس انتخاب شد که ۲ برابر مقدار حداقل بوده و برای غلبه بر مشکلاتی نظیر عدم برگشت پرسش‌نامه در نظر گرفته شد. تعداد ۱۶ نفر متخصص با حوزه مطالعاتی علوم سیاسی یا افرادی با حوزه مطالعاتی امنیتی شناسایی شدند [۲۴].

در این روش از خبرگان در مورد اهمیت استفاده از یک پارامتر برای ارزیابی موضوعی خاص سؤال می‌شود و با استفاده از فرمول شماره ۱ و نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها برای هر پارامتر مقدار CVR مشخص می‌شود. فرمول ۱.

$$CVR = \frac{N_e - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

در این فرمول منظور از  $N_e$  تعداد افرادی است که پارامتر مورد نظر را برای بررسی موضوع مورد نظر مهم دانسته‌اند و  $N$  تعداد کل پاسخ‌دهندگان است. مقادیر منفی برای CVR معادل صفر در نظر گرفته می‌شود. طبق جدول شماره ۴، که به جدول لاوشه معروف است، کم‌ترین مقدار CVR به ازای ۳۶ نفر پاسخ‌دهنده، برای اینکه پارامتر مورد نظر ضروری و با اهمیت شناخته شود، ۰/۳۱ است. همچنین در این روش کمینه ارزشی که اهمیت هر پارامتر را از نظر پاسخ‌دهنده تعیین می‌کند، مقدار ۵ است. یعنی پارامتری که از طرف پاسخ‌دهنده نمره بالاتر از ۵ می‌گیرد، پارامتر مهم تلقی می‌شود [۲۵].



در هنگام تفسیر CVR فرضیات زیر قابل استفاده است (لاوشی ۱۹۷۵):

۱. هنگامی که همه اعضای پانل با ضرورت یک آیتم موافق نباشند، اینگونه برداشت می‌شود که این آیتم کاملاً غیرضروری است.
۲. هنگامی که همه اعضای پانل کاملاً با ضروری بودن یک آیتم موافق هستند، ۲ حالت وجود یا همه آنها اشتباه می‌کنند یا همه قضاوت درستی داشته‌اند. از آن جا که آن‌ها به‌عنوان یک متخصص اظهار نظر می‌کنند، بایستی نتیجه گرفت که همه آن‌ها اشتباه نکرده‌اند و این آیتم می‌تواند به‌طور قابل توجهی ضروری در نظر گرفته شود.
۳. در رابطه با موارد شک برانگیز، ۲ فرضیه زیر که بر اساس اصول روان‌شناسی بنا نهاده شده‌اند قابل تصور

- است:
- هر آیتمی که توسط بیش از نیمی از اعضای پانل، ضروری تشخیص داده شود، از درجه ای از روایی محتوایی برخوردار است.
  - هر اندازه که تعداد اعضای بیشتری به ضروری بودن یک آیتم رای موافق دهند (فراتر از ۵۰ درصد)، به همان اندازه از میزان روایی بالاتری برخوردار است.
  - ۴. به نظر می‌رسد که بعضی اوقات ضروری است که CVRهای محاسبه‌شده برای آیتم‌های مختلف وزن-دهی شود. لاوشی (۱۹۷۵) تذکر می‌دهد که مفهوم رتبه بندی یا وزن دهی با روش توصیف شده جهت تجزیه و تحلیل روایی سازگار نیست چراکه مبنای روش روایی محتوایی بر ملاحظات منطقی و شواهد تجربی استوار است.

جدول ۴. کمینه مقدار CVR به ازای تعداد پرسش شوندهگان [۲۶]

تعداد پرسش شوندهگان	کمینه CVR	تعداد پرسش شوندهگان	کمینه CVR
۵	۰.۹۹	۱۳	۰.۵۴
۶	۰.۹۹	۱۴	۰.۵۱
۷	۰.۹۹	۱۵	۰.۴۹
۸	۰.۷۵	۲۰	۰.۴۲
۹	۰.۷۸	۲۵	۰.۳۷
۱۰	۰.۶۲	۳۰	۰.۳۳
۱۱	۰.۵۹	۳۵	۰.۳۱
۱۲	۰.۵۶	۴۰	۰.۲۹

پرسش‌نامه بین ۱۶ نفر توزیع شد که از این تعداد، ۱۴ پرسش‌نامه تکمیل و به محقق تحویل شد. به منظور سهولت در ارسال و دریافت، پرسش‌نامه در نرم افزار Google Drive تولید و به جامع مخاطب ارسال شد. به‌منظور پذیرش یا رد سؤالات پرسش‌نامه معیارهای ذیل به کار رفته است:

۱. پذیرش بی قید و شرط سؤال در صورتی که مقدار CVR آن مساوی یا بیشتر از ۰/۵۱ باشد. این عدد با توجه به تعداد اعضای ۱۴ نفره پانل و از جدول شماره ۴ بدست آمده است. این مقدار CVR نشان می‌دهد که بیشتر از نیمی از افراد اعضای پانل گزینه «کاملاً موافق» یا «موافق» (آیتم ضروری در مقیاس لاوشی) را انتخاب کرده‌اند.

۲. رد سؤال در صورتی که مقدار CVR آن کمتر از ۰/۵۱ شود. CVR کمتر از ۰/۵۱ بدان معناست که کمتر از نیمی افراد گزینه «کاملاً موافق» یا «موافق» (آیتم ضروری در مقیاس لاوشی) را در انتخاب کرده‌اند و میانگین عددی قضاوت‌ها به گزینه «نظری ندارم» (آیتم عدم ضرورت در مقیاس لاوشی) یا به گزینه «مخالف» یا «کاملاً مخالف» (آیتم غیرضروری در مقیاس لاوشی) نزدیک‌تر است.

مقادیر CVR محاسبه‌شده برای هر یک از پارامترهای به شرح جدول شماره ۵ است. همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار CVR محاسبه‌شده از ۶۹ شاخص تنها ۳۱ شاخص بیش از ۰.۵۱ است. این ۳۱ شاخص از نظر خبرگان به عنوان شاخص‌های مهم‌تر انتخاب شدند.

جدول ۵. تحلیل انتخابی شاخص‌ها بر اساس مقدار CVR محاسبه شده [۲۷]

ردیف	شاخص	CVR	کد شاخص
۱	علاقه فرد تروریست به ایجاد تغییر	۰,۷۱	Pri۱
۲	رفع ظلم (تلاش تروریست برای رفع ظلم حاکم بر خود و هم گروهان)	۰,۷۱	Pri۲
۳	جلب توجه دیگران و معطوف کردن نظر دیگران به خود	۰,۵۷	Pri۳
۴	ناعادلانانه بودن مناسبات سیاسی - اجتماعی (باور تروریست بر ناعادلانه بودن مناسبات)	۰,۶	Pri۴
۵	اعتقاد به وجود محرومیت نسبی (اعتقاد تروریست به شکاف بین توقعات خود و واقعیت موجود)	۰,۵۷	Pri۵
۶	پذیرش ارزش فرهنگی جمع - گرایي (مقدم دانستن فرهنگ گروه بر فرهنگ شخصی توسط تروریست)	۰,۵۷	Pri۶
۷	مطلق - گرایي مذهبی (برتری دانستن خود بر دیگران از نظر مذهبی توسط فرد تروریست)	۰,۷۱	Pri۷
۸	القای همانندسازی درون گروهی (فاصله گرفتن از نهادهای رسمی و تمایل به گروه های غیررسمی توسط فرد تروریست)	۰,۷۱	Pri۸
۹	ایجاد دوگانگی شخصیت (تلاش برای رسوخ ایدئولوژی - های سخت گیرانه مبارزه گروه تروریستی در جان اعضا)	۰,۵۷	Pri۹
۱۰	منازعات سیاسی گروه تروریستی با نظام حاکم	۰,۷۱	Pri۱۰
۱۱	استفاده ابزاری از مذهب	۰,۵۷	Pri۱۱
۱۲	تولید هویت (ایجاد هویت تازه در جامعه)	۱	Pri۱۲
۱۳	جنگ و گریز هویتی (تلاش گروه تروریستی برای محافظت از هویت خود یا باید به جنگ دشمنان احتمالی بروند و یا از مقابل آن - ها فرار کنند)	۰,۷۱	Pri۱۳
۱۴	ایجاد وابستگی ذهنی (که گروه را به سمت اطاعت از یک رهبر مقتدر متمایل می کند)	۰,۵۷	Pri۱۴
۱۵	تأثیرات ایدئولوژی - های سخت - گیرانه مبارزه جوی	۰,۵۷	Pri۱۵
۱۶	روحیه قدرت طلبی	۰,۱۷	Pri۱۶
۱۷	تغییر وضع موجود	۰,۸۶	Pri۱۷
۱۸	عدم سازواری با تاریخ و هویت سایر اقوام تحت حاکمیت	۰,۵۷	Pri۱۸
۱۹	دستیابی به اهداف سیاسی	۰,۷۱	Pri۱۹
۲۰	ایجاد حس انتقام - گیری	۰,۵۷	Pri۲۰
۲۱	ایجاد حس عدم امنیت	۰,۷۱	Pri۲۱
۲۲	احساس حق جنگ پیشگیرانه را در مقابل تروریسم	۰,۵۷	Pri۲۲
۲۳	تضعیف اعتماد به نفس در افراد جوامع	۰,۷۱	Pri۲۳
۲۴	احساس امنیت در افراد جوامع	۰,۵۷	Pri۲۴
۲۵	رضایت سیاسی (میزان احساس راحتی نسبت به نهادهای سیاسی)	۰,۷۱	Pri۲۵
۲۶	اعتماد سیاسی (اعتماد به نخبگان سیاسی و نظام سیاسی)	۰,۵۷	Pri۲۶
۲۷	توانایی سیاسی (مهارت های سیاسی نظام و نخبگان سیاسی)	۰,۷۱	Pri۲۷
۲۸	اثر بخشی درونی (باور به میزان تأثیرگذاری بر نهادهای سیاسی)	۰,۵۷	Pri۲۸
۲۹	اثر بخشی بیرونی (رعایت حقوق شهروندان، توجه به آرا و عقاید افراد جامعه از طرف نظام سیاسی)	۰,۷۱	Pri۲۹
۳۰	وظیفه مدنی (تکلیف و مسئولیت مدنی نظام سیاسی)	۰,۵۷	Pri۳۰
۳۱	تأثیر ساختار سیاسی حاکمیتی (دولت، مجلس و...) و غیر حاکمیتی (احزاب، گروه های سیاسی...)	۰,۷۱	Pri۳۱

۱۲۰

ویژه نامه دوم  
پدافند غیر عامل)

دوفصلنامه  
علمی و پژوهشی



تدوین شاخص های برگزیده پدیری سیاسی ناشی از بحران های تروریستی با استفاده از مدل انگارال - مجید گل پرور

دسته‌بندی شاخص‌ها با استفاده از روش تحلیل عاملی در این بخش شاخص‌های تعیین شده توسط گروه خبرگان بر اساس مدل اولیه طرح در ۳ معیار؛ ظرفیت جذب، ظرفیت تطبیق و ظرفیت احیا با استفاده از روش تحلیل عاملی دسته‌بندی می‌شوند. تحلیل عاملی از جمله روش‌های چند متغیره است که در آن متغیرهای مستقل و وابسته مطرح نیست، زیرا این روش جزو تکنیک‌های هم وابسته محسوب می‌شود و کلیه متغیرها نسبت به هم وابسته‌اند. تحلیل عاملی نقش بسیار مهمی در شناسایی متغیرهای مکنون یا همان عامل‌ها از طریق متغیرهای مشاهده شده دارد. عامل متغیر تازه‌ای است که از طریق ترکیب خطی مقادیر اصلی متغیرهای مشاهده شده برآورد می‌شود. روش تحلیل عاملی برای ساخت آزمون‌ها اولین بار توسط چارلز اسپیرمن به کار برده شده است. به همین دلیل وی را مبتکر روش تحلیل عاملی می‌نامند [۲۸].

رویکردهای تحلیل عاملی را می‌توان به ۲ دسته تحلیل عاملی اکتشافی و تائیدی تقسیم بندی کرد. در تحلیل اکتشافی پژوهشگر به دنبال بررسی داده‌های تجربی به منظور کشف و شناسایی شاخص‌ها و هم روابط بین آن‌هاست و این کار را بدون تحمیل هر گونه مدل معینی انجام می‌دهد. به بیان دیگر تحلیل اکتشافی علاوه بر آن که ارزش تجسسی یا پیشنهادی دارد می‌تواند ساختار ساز، مدل ساز یا فرضیه ساز باشد. در تحلیل عاملی تائیدی مدل‌های متفاوتی مورد مقایسه قرار می‌گیرند تا مشخص شود کدام مدل بهترین برآورد را از داده‌ها نشان می‌دهد. در تحلیل عاملی تائیدی بر خلاف تحلیل عاملی اکتشافی، کاربر از قبل در مورد وجود تعداد خاصی از عوامل تصمیم گیری می‌کند، به طوری که ممکن است از قبل در مورد وجود یا عدم وجود نقش آزمون‌های مورد نظر روی عامل‌ها فرض‌هایی را هم بیان کند. تحلیل عاملی تائیدی در واقع یک مدل آزمون تئوری است که در آن پژوهشگر تحلیل خود را با یک فرضیه قبلی آغاز می‌کند. این مدل مشخص می‌کند که کدام متغیرها با کدام عامل‌ها و کدام عامل با کدام عامل‌ها باید همبسته شوند. روش تائیدی بعد از مشخص کردن عامل‌های پیش تجربی، از طریق تعیین برازندگی مدل عاملی از پیش تعیین شده، تطابق بهینه ساختارهای عاملی مشاهده شده و نظری را برای مجموعه داده‌ها آزمون می‌کند. از این رو، تحلیل عاملی تائیدی مورد ویژه‌ای از مدل‌بانی معادلات ساختاری است [۲۹].

### مراحل تحلیل عاملی تائیدی با استفاده از نرم‌افزار لیزرل (روابط ساختاری خطی)

مرحله ۱) تدوین مدل؛ در این مرحله تعداد عامل‌های مدل، تعداد شاخص‌ها، الگوی روابط بین شاخص‌ها و عامل‌ها و محدودیت‌های مدل (مشخص کردن پارامترهای ثابت، آزاد و مقید مناسب) مشخص می‌شود. در این مرحله فرض می‌شود که بین هیچ‌یک از خطاها همبستگی وجود ندارد.

مرحله ۲) تشخیص مدل (مشخص‌سازی)؛ تشخیص مدل

یعنی آیا برای هر یک از پارامترهای آزاد، می‌توان یک مقدار منحصر به فرد از روی داده‌ها به دست آورد. تعداد پارامترهایی که باید برآورد شوند (پارامترهای آزاد) نباید از تعداد واریانس‌ها و کوواریانس‌های نمونه بیشتر باشد. اگر تعداد متغیرهای مشاهده شده (شاخص‌ها) برابر P باشد. بنابر این از طریق فرمول زیر می‌توان تعداد کل واریانس‌ها و کوواریانس‌های ممکن را برآورد کرد.

تعداد کل واریانس‌ها و کوواریانس‌های نمونه =

$$= \frac{P \times (P + 1)}{2}$$

- مدل کاملاً مشخص از نظر علمی مطلوب نیست. زیرا درجه آزادی (df) آن صفر می‌شود و هرگز نمی‌تواند رد شود. در عمل محققان باید مدل‌های فرامشخص که دارای درجه آزادی مثبت هستند را تجزیه و تحلیل کنند. مدل‌هایی که مشخص نیستند باید دوباره تدوین شوند.
- برای این‌که مدلی مشخص باشد باید هر عامل حداقل ۳ شاخص داشته باشد.
- شرط لازم و کافی برای مشخص‌سازی وقتی فراهم می‌شود که هر متغیر مشاهده شده (شاخص) فقط و فقط یک متغیر پنهان (عامل) را اندازه‌گیری کند.

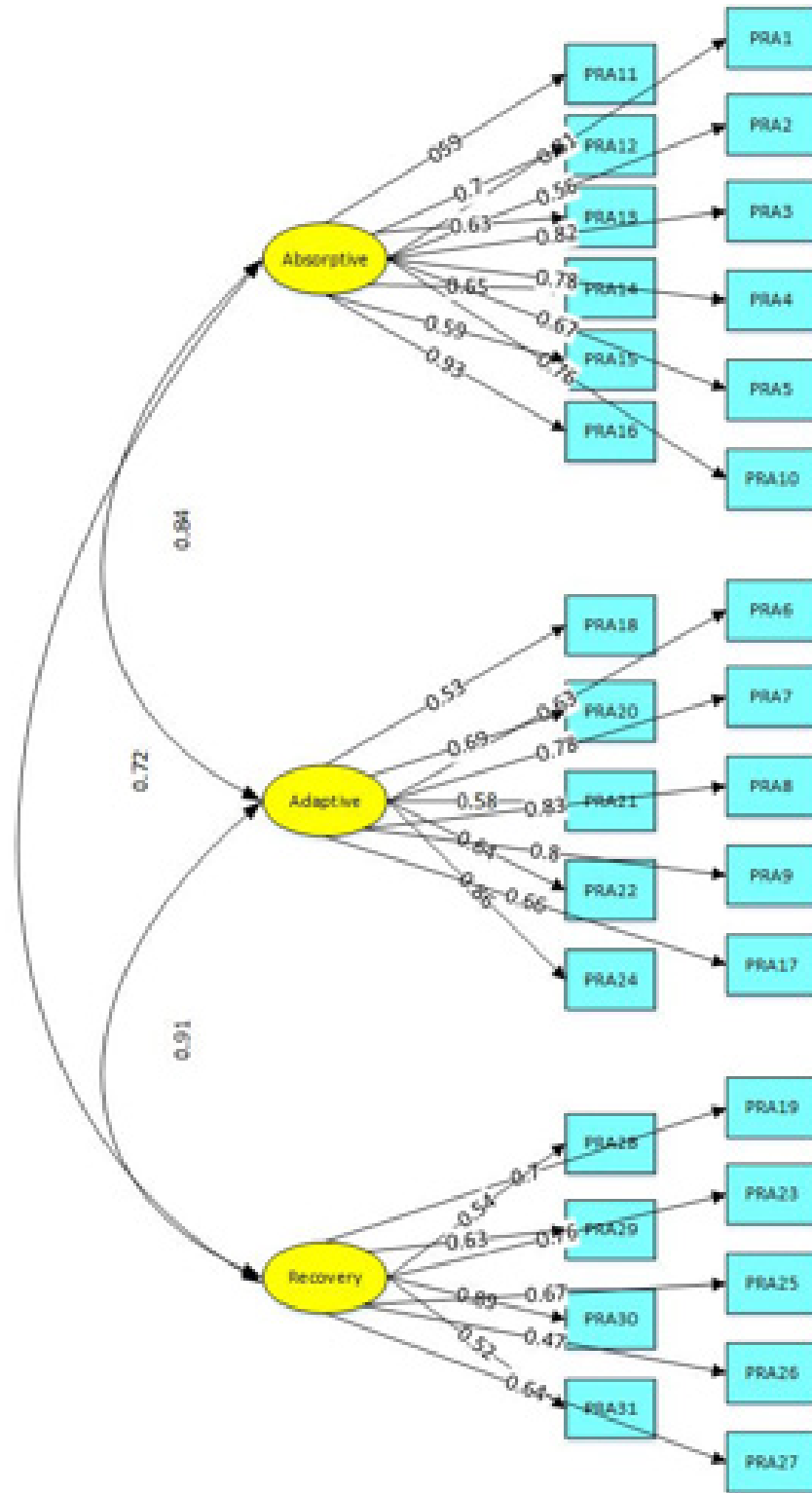
مرحله ۳) برآورد مدل؛ برآورد مدل شامل تکنیک‌هایی است که برای برآورد پارامترهای مدل استفاده می‌شوند. برآورد پارامترها آنقدر تکرار می‌شود تا مدل موردنظر در یک مجموعه نهایی از پارامترهای برآورد شده همگرا شود.

مرحله ۴) آزمون مدل؛ یک بخش مهم در فرایند برآورد، ارزیابی برازش مدل است. منظور از برازش مدل این است که تا چه حد یک مدل با داده‌های نمونه سازگاری و توافق دارد. بدین منظور از شاخص‌های برازش استفاده می‌شود.

در صورتی که برازش مدل قابل قبول باشد، تخمین پارامترها مورد بررسی قرار می‌گیرند. یعنی نتایج بخش اندازه‌گیری و ساختاری مدل ارزیابی می‌شوند. نسبت تخمین هر پارامتر به خطای استاندارد آن به وسیله آماره  $t$  نشان داده می‌شود. برای این‌که پارامتر موردنظر قابل قبول یا به عبارتی معنادار باشد، باید قدر مطلق مقدار  $t$  آن بزرگ‌تر یا مساوی ۱.۹۶ باشد. بنابر این شاخص‌ها از دقت لازم برای اندازه‌گیری سازه‌های نهفته تحقیق برخوردارند. گرچه انواع گوناگونی از آزمون‌ها که به آن‌ها شاخص‌های برازش گفته می‌شود، در حال توسعه و تکامل هستند. اما هنوز درباره حتی یک آزمون بهینه هم توافق همگانی وجود ندارد. تصمیم‌گیری درباره برازش یک مدل بر اساس چند شاخص و نه یک شاخص انجام می‌گیرد، بنابر این برای ارزیابی برازش مدل ضروری است، تعداد متنوعی از شاخص‌ها گزارش شود. زیرا شاخص‌های مختلف جنبه‌های متفاوتی از برازش مدل را انعکاس می‌دهند.

از یک پرسش‌نامه از مخاطبین خواسته است تا عوامل مطرح‌شده را در طیف ۵ نقطه‌ای لیکرت رتبه‌بندی کنند. بر اساس مدل نظر ارائه‌شده ۳۱ شاخص آشکار نهایی‌شده در قالب ۳ متغیر پنهان (یا عامل) شامل ظرفیت جذب، تطبیق و احیا مدنظر قرار گرفت. این عوامل و شاخص‌های آن‌ها در شکل شماره ۴ ارائه شده‌اند.

مرحله ۵) اصلاح مدل؛ گام نهایی اصلاح مدل نامیده می‌شود. در صورتی که مدل از برآزش ضعیفی برخوردار باشد، با استفاده از اطلاعات حاصل از خروجی برنامه جهت بهبود مدل تغییراتی در آن اعمال می‌شود [۳۰]. دسته‌بندی شاخص‌ها با استفاده از تحلیل عاملی به منظور بررسی عوامل مؤثر بر برگشت‌پذیری سیاسی نظر ۱۴ نفر از متخصصان اخذ شد. محقق با استفاده



شکل ۴. الگوی ۳ عاملی [۳۱]

پس از انجام فرایند تحلیل عاملی با استفاده از نرم افزار لیزرل ابتدا با توجه به خروجی به تعیین برازش مدل پرداخته می شود. اگر میزان برازش قابل قبول بود، آنگاه به بررسی نتایج و تحلیل بارهای عاملی می پردازیم.

نتایج چند شاخص برازندگی مدل در جدول شماره ۷ ارائه می شود. همان طور که شاخص های برازندگی نشان می دهد، داده های این پژوهش با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق برازش مناسبی دارد.

جدول ۷. شاخص های برازش مدل [۳۲]

شاخص	برآوردهای مدل	حد مجاز	نتیجه
خمی دو ( $\chi^2$ )	$\chi^2 = 43/33$ $df = 24$ و $p = 0/009$	$p > 0,05$	عدم تأیید
خمی دو بر درجه ی آزادی ( $\chi^2/df$ یا NC)	۱/۸۱	کمتر از ۳	خوب
RMSEA (ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب)	۰/۰۶۵	کمتر از ۰,۰۸	قابل قبول
SRMR (ریشه دوم میانگین مجذورات پسماندها)	۰/۰۵۷	مقادیر نزدیک به صفر بهتر است	قابل قبول
GFI (نیکویی برازش)	۰/۹۵	بالتر از ۰,۹	خوب
AGFI (برازش تعدیل یافته)	۰/۹۱	بالتر از ۰,۹	خوب
CFI (برازش تطبیقی)	۰/۹۵	بالتر از ۰,۹	قابل قبول
NFI (برازندگی نرم شده)	۰/۹۰	بالتر از ۰,۹	قابل قبول
NNFI (برازندگی نرم نشده)	۰/۹۳	بالتر از ۰,۹	عدم تأیید

### نتیجه گیری

تا کنون در حوزه برگشت پذیری، نگاه پژوهشگران معطوف بر مباحث فنی، شهری، اجتماعی و اقتصادی بوده است. فقدان توجه به موضوع برگشت پذیری سیاسی محققان این پژوهش را بر آن داشت تا به این موضوع بپردازند. بر همین اساس با استفاده از مدل کثرت گرایی روش شناختی انتگرال، عوامل مؤثر بر اساس متون تخصصی و با توجه به ۴ چارک اصلی در مدل تحلیلی انتگرال شناسایی شد. سپس با مراجعه به جامعه خبرگان و با استفاده از روش پرسش نامه شاخص هایی که مورد توجه جامعه مخاطب بود، شناسایی شد. از آنجا که رویکرد اصلی این تحقیق برگشت پذیری است،

بنابر این شاخص ها با استفاده از مدل تحلیل عاملی تأییدی در ۳ عامل اصلی رویکرد برگشت پذیری (جذب، تطبیق، احیا) مورد بررسی از نظر همان جامعه مخاطب قرار گرفت. نتیجه تحقیق بیانگر آنست که از ۳۱ شاخص احصا شده، ۱۲ شاخص مرتبط با ظرفیت جذب، ۱۰ شاخص مرتبط با ظرفیت تطبیق و ۹ شاخص مرتبط با ظرفیت احیاست که در جدول شماره ۶ این شاخص ها ارائه شده است. با استفاده از این شاخص ها می توان میزان برگشت پذیری سیاسی جامعه را در برابر شوک ناشی از پیامدهای سیاسی حملات تروریستی محاسبه کرد و از سوی دیگر با ارتقای این شاخص ها در جامعه می توان برگشت پذیری سیاسی جامعه را ارتقا داد.

جدول ۶. شاخص های برگشت پذیری سیاسی در برابر پیامدهای حملات تروریستی

عامل (متغیر پنهان)	شاخص (متغیرهای آشکار)
جذب	علاقه فرد تروریست به ایجاد تغییر (PRA۱)، رفع ظلم (تلاش تروریست برای رفع ظلم حاکم بر خود و هم گروهان) (PRA۲)، جلب توجه دیگران و معطوف کردن نظر دیگران به خود (PRA۳)، ناعادلانه بودن مناسبات سیاسی - اجتماعی (باور تروریست بر ناعادلانه بودن مناسبات) (PRA۴)، اعتقاد به وجود محرومیت نسبی (اعتقاد تروریست به شکاف بین توقعات خود و واقعیت موجود) (PRA۵)، منازعات سیاسی گروه تروریستی با نظام حاکم (PRA۱۰)، استفاده ابزاری از مذهب (PRA۱۱)، تولید هویت (ایجاد هویت تازه در جامعه) (PRA۱۲)، جنگ و گریز هویتی (تلاش گروه تروریستی برای محافظت از هویت خود یا باید به جنگ دشمنان احتمالی بروند و یا از مقابل آن ها فرار کنند) (PRA۱۳)، ایجاد وابستگی ذهنی (که گروه را به سمت اطاعت از یک رهبر مقتدر متمایل می کند) (PRA۱۴)، تأثیرات ایدئولوژی های سخت گیرانه مبارزه جوی (PRA۱۵)، روحیه قدرت طلبی (PRA۱۶).
تطبیق	پذیرش ارزش فرهنگی جمع گرایی (مقدم دانستن فرهنگ گروه بر فرهنگ شخصی توسط تروریست) (PRA۶)، مطلق گرایی مذهبی (برتری دانستن خود بر دیگران از نظر مذهبی توسط فرد تروریست) (PRA۷)، القای همانندسازی درون گروهی (فاصله گرفتن از نهادهای رسمی و تمایل به گروه های غیررسمی توسط فرد تروریست) (PRA۸)، ایجاد دوگانگی شخصیت (تلاش برای رسوخ ایدئولوژی های سخت گیرانه مبارزه گروه تروریستی در جان اعضا) (PRA۹)، تغییر وضع موجود (PRA۱۷)، دستیابی به اهداف سیاسی (PRA۱۸)، ایجاد حس انتقام گیری (PRA۲۰)، ایجاد حس عدم امنیت (PRA۲۱)، احساس حق جنگ پیشگیرانه را در مقابل تروریسم (PRA۲۲)، احساس عدم امنیت در افراد جوامع (PRA۲۴).



عامل (متغیر پنهان)	شاخص (متغیرهای آشکار)
احیا	عدم سازواری با تاریخ و هویت سایر اقوام تحت حاکمیت (PRA19)، تضعیف اعتماد به نفس در افراد جوامع (PRA23)، رضایت سیاسی (میزان احساس راحتی نسبت به نهادهای سیاسی) (PRA25)، اعتماد سیاسی (اعتماد به نخبگان سیاسی و نظام سیاسی) (PRA26)، توانایی سیاسی (مهارت‌های سیاسی نظام و نخبگان سیاسی) (PRA27)، اثر بخشی درونی (باور به میزان تأثیرگذاری بر نهادهای سیاسی) (PRA28)، اثر بخشی بیرونی (رعایت حقوق شهروندان، توجه به آرا و عقاید افراد جامعه از طرف نظام سیاسی) (PRA29)، وظیفه مدنی (تکلیف و مسئولیت مدنی نظام سیاسی) (PRA30)، تأثیر ساختار سیاسی حاکمیتی (دولت، مجلس و...) و غیرحاکمیتی (احزاب، گروه‌های سیاسی...) (PRA31).

## منابع

- Adger, W.N., (۲۰۰۰), «Social and Ecological Resilience: Are They Related?», Progress in Human Geography, ۳۶۴-۲۴۷: (۳)۲۴
- Jordan, E., Javernick-Will A., Amadei, B., (۲۰۱۱), «Pathways to communicate recovery and resiliency», Proceedings of the engineering project organizations conference, Colorado, USA
- مبلغی، عبدالمجید و محمدی‌کیا، طیبیه. روان شناسی اجتماعی تروریسم و نسبت آن با امنیت. فصل‌نامه علمی-پژوهشی آفاق امنیت، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۲.
- Cutter, S., et al., (۲۰۰۳), «Social Vulnerability to Environmental Hazards, Social Science Quarterly, ۱۸۹: (۲)۸۴.
- Jordan, E., Javernick-Will A., Amadei, B., (۲۰۱۱), «Pathways to communicate recovery and resiliency», Proceedings of the engineering project organizations conference, Colorado, USA
- Paton, D., Johnston, D., (۲۰۰۱), «Disasters and Communities: Vulnerability, Resilience and Preparedness», Disaster Prevention and Management, ۷۷-۲۷۰: ۱۰
- یزدانی‌نسب، محمد و نوری، مهدی. آسیب‌پذیری اجتماعی شهرها در بحران‌های ناشی از جنگ و حملات تروریستی و ارائه راهکارهای کاهش آن، مجتمع دانشگاهی پدافند غیرعامل دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ۱۳۹۵.
- Nekooie, Mohammad Ali and Nouri, Mehdi (۲۰۱۵), « A Model of Sustainability-Resilience Index (SRI) for Amphibious Urbanization», the world's first International Conference on Amphibious Architecture, Design and Engineering (ICAAD ۲۰۱۵)
- فوس، کلینت. به سوی معرفت‌شناسی انتگرال. ترجمه مجید گل پرور، تهران، صفحه ۲۱.
- همان، ص ۲۸.
- همان، ص ۳۵.
- همان، ص ۴۱.
- نگارندگان.
- نگارندگان.
- رفعیان، مجتبی و دیگران. تبیین مفهومی تاب‌آوری و شاخص‌سازی آن در مدیریت سوانح اجتماع‌محور، نشریه برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰، ص ۴۱.
- همان، ص ۲۱.
- فتح الهی، فؤاد. طراحی ساختار مفهومی و برگشت‌پذیری اقتصادی در بستر اقتصاد مقاومتی و حوزه‌های پدافندی، مجتمع دانشگاهی پدافند غیرعامل دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ۱۳۹۳، ص ۸۹.
- گلوردی، مهدی. تاب‌آوری ملی: مروری بر ادبیات تحقیق، فصل‌نامه راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۵، زمستان ۹۶، ص ۲۹۷.
- پرتوی، پروین و دیگران. طراحی شهری و تاب‌آوری اجتماعی (بررسی موردی: محله جلفا اصفهان)، دوفصل‌نامه دانشگاه هنر، شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۰۲.
- Cutter, ۱۹۳.
- مبلغی، عبدالمجید و محمدی‌کیا، طیبیه. روان شناسی اجتماعی تروریسم و نسبت آن با امنیت. فصل‌نامه علمی-پژوهشی آفاق امنیت، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۲، ص ۶۳.
- نگارندگان.
- نقره‌کار، عبدالمجید و دیگران، مدل‌سازی؛ روشی مفید برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹.
- میرز، لاورنس اس، گامست، گلن و گارینو، ا. جی. پژوهش چندمتغیری کاربردی. (مترجمان: حسن پاشا شریفی، سیمین‌دخت رضاخانی، حمیدرضا حسن‌آبادی، بلال ایزانلو و مجتبی حبیبی). انتشارات رشد. چاپ دوم، تهران: ۱۳۹۱، ص ۷۴.
- گرجی، ابراهیم و برخوردار، سجاد. مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی. انتشارات ثالث، تهران: ۱۳۸۸، ص ۲۸.
- همان، ص ۳۱.
- نگارندگان.
- عبادی، غلامحسین و ریاضی، جهانگیر. آزمون‌سازی با استفاده از روش تحلیل عوامل. انتشارات کردگار. چاپ اول. تهران: ۱۳۸۹، ص ۱۲۹.
- فراهانی، حجت‌الله و عریضی، حمیدرضا. روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی. انتشارات جهاد دانشگاهی. چاپ دوم. اصفهان: ۱۳۸۸، ص ۲۴.
- همان، ص ۲۸.
- نگارندگان.
- نگارندگان.

۱۲۴

ویژه نامه دوم  
پدافند غیر عامل

دوفصلنامه  
علمی و پژوهشی

بهرین

تدوین شاخص‌های برگشت‌پذیری سیاسی ناشی از بحران‌های تروریستی با استفاده از مدل انتگرال - مجید گل پرور